

سازوکارهای رسیدگی به ادعای بی‌گناهی محکومان: مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران، آمریکا و انگلستان

محمد فرجیها* - جمشید غلاملو**

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۷)

چکیده

هدف نظام عدالت کیفری، مقابله با مجرمان از طریق مجازات است. با این وجود، در مواردی به جای مجرمان واقعی، افراد بی‌گناه محاکمه و محکوم می‌شوند. مساله پژوهش حاضر، بررسی سازوکارهای نظام عدالت کیفری در اصلاح این برآیند ناعادلانه و نادرست است. واقعیت این است که همواره محکومان بی‌گناهی وجود خواهند داشت که هیچگاه فرصت و امکان اثبات بی‌گناهی شان را بدست نخواهند آورد. به نظر می‌رسد تاکید نظام عدالت کیفری به اعتبار محکومیت‌های کیفری صادره، مانع مسئولیت‌پذیری این نظام در رسیدگی به ادعاهای بی‌گناهی پس از محکومیت شده است. کشورهای معدودی مانند آمریکا و انگلستان، نظام تخصصی را برای احراز و رسیدگی به ادعای گناهی محکومان پیش‌بینی کرده‌اند. علاوه بر آن، نقش نهادها و جنبش‌های مدنی در این ارتباط غیر قابل انکار است. اعاده دادرسی، یعنی برگزاری یک رسیدگی فوق‌العاده، ساز و کاری است که نظام حقوقی ایران همانند بسیاری از کشورهای دیگر در این زمینه پیش‌بینی کرده است. با این وجود، امکان استفاده از این ساز و کار با موانع قانونی‌شکلی مانند جهات محدود اعاده دادرسی و مرور زمان مواجه است و همه ادعاهای بی‌گناهی را در بر نمی‌گیرد. در نظام حقوقی ایران، حذف ناروای ساز و کار قانونی امکان اعلام اشتباه به وسیله قاضی صادرکننده رای و سایر مقامات قضایی در سال ۱۳۸۱، بر کاستی‌ها افزوده است.

کلید واژگان: محکومان بی‌گناه؛ خطاهای قضایی؛ اعاده دادرسی؛ طرح‌های احراز بی‌گناهی؛ مطالعه تطبیقی

* دانشیار گروه حقوق جزا جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

مقدمه

محکومیت افراد بی گناه به معنای وجود خطا در عملکرد نظام عدالت کیفری است. این احتمال وجود دارد که فردی به خطا تعقیب، بازجویی و محاکمه شود. گاه، بی گناهی فرد در مراحل اولیه فرایند کیفری مشخص می شود؛ ولی گاه، فرد در مرحله تحقیقات مقدماتی مجرم شناخته شده و در دادگاه بدوی نیز بر اساس کیفرخواست صادر شده محکوم می شود؛ ولی مرجع تجدید نظر، حسب مورد دادگاه تجدید نظر استان یا دیوان عالی کشور، حکم محکومیت را نقض و با تبرئه متهم، خطای مراجع پیشین را اصلاح می کند. چنانچه، مرجع عالی نیز خود مرتکب خطا شود یا خطاهای پیشین را تأیید کند، محکومیت نادرست فرد قطعی می شود. فرض نظام عدالت کیفری این است که پس از طی این مراحل، فردی که محکوم می شود واقعا مجرم است و پرونده را مختومه تلقی می کند.

با این وجود، همواره افراد بی گناهی بر اساس خطاهای عمدی و غیر عمدی کنشگران حرفه‌ای نظام عدالت کیفری (دادستان، بازپرس، قاضی، پلیس، کارشناس و وکیل) و نیز شهود محکوم می شوند. در یک نظام حقوقی، نوع ساز و کارهایی که یک محکوم بی گناه پس از محکومیت قطعی برای اثبات بی گناهی خود در دسترس دارد، نشان‌دهنده اهمیتی است که این نظام برای جبران خطاهای خود قائل است. سوال این است که چه ساز و کارهای قانونی در نظام عدالت کیفری برای رسیدگی به ادعاهای بی گناهی پیش‌بینی شده است؟ و دیگر آنکه ساز و کارهای موجود چقدر کارآمد هستند؟

منظور از محکومان بی گناه، محکومیت متهمانی است که با وجود آنکه رفتار مجرمانه انتسابی را مرتکب نشده اند و به رغم فقدان ادله قانونی، با استناد به ادله اثباتی نادرست، به طور قطعی محکوم شده اند؛ اعم از آنکه عوامل محکومیت مزبور ناشی از خطاهای عمدی یا غیر عمدی باشد. این خطای جبران ناپذیر، در دهه های اخیر بیش از پیش مورد توجه حقوقدانان، جرم شناسان، مقام های دولتی و نیز انجمن های مردم-نهاد قرار گرفته است. برای نمونه در برخی از کشورها، کمیسیون ها یا طرح های جامعوی احراز بی گناهی که عمدتا مدیریت آنها بر عهده دانشگاه ها است، برای بررسی محکومیت بی گناهان تشکیل شده است که فعالیت گسترده و تاثیر گذاری دارند.

در خصوص احراز بی گناهی و رسیدگی به پرونده های محکومیت بی گناهان دو رویکرد عمده وجود دارد: اول) کشورهای که ساز و کار رسیدگی فوق العاده، یعنی اعاده دادرسی را پیش بینی کرده اند که اغلب، این رسیدگی مجدد توسط دادگاه صادر کننده رای قطعی انجام

می‌شود. دوم) کشورهایی که یک ساختار تخصصی که مبتنی بر قانون، مرجع و فرآیند رسیدگی تخصصی است، ایجاد کرده‌اند. در کنار این دو رویکرد دولتی، جنبش‌های جامعه‌ی نیز در قالب طرح‌ها یا کمیسیون‌های احراز بی‌گناهی در برخی از کشورها شکل گرفته‌اند. این مقاله در صدد است تا سازوکارهای احراز و رسیدگی به ادعای محکومان بی‌گناه در نظام حقوقی ایران و نیز کشورهای آمریکا و انگلستان که دارای نظام‌های تخصصی در رسیدگی به ادعای بی‌گناهی هستند را بررسی کند.

۱- نظام‌های دولتی

منظور از نظام‌های دولتی، سازوکارهایی رسمی است که خود نظام عدالت کیفری جهت اصلاح خطای خود در محکوم کردن افراد بی‌گناه پیش‌بینی کرده است. نظام‌های دولتی را می‌توان به دو نوع کلی تقسیم بندی کرد: نظام‌های عمومی و نظام‌های تخصصی. نظام حقوقی ایران از نظام عمومی تبعیت می‌کند و همانند بسیاری از کشورها فاقد سازوکارهای تخصصی است.

۱-۱- نظام عمومی

نظام عمومی رسیدگی به ادعای بی‌گناهی، به طور اصلی همان مقررات و فرآیند معمول رسیدگی فوق‌العاده، یعنی اعاده دادرسی کیفری، برای رسیدگی مجدد به یک پرونده است. رسیدگی فوق‌العاده به طور عمده متکی به ادله اثبات است؛ ادله‌ای که در زمان محاکمه یا جعلی بوده‌اند یا مخفی. عفو اعطایی از طرف مقام قضایی یا دولتی ذیصلاح نیز می‌تواند در شرایطی به عنوان شیوه دیگری از پاسخگویی به ادعای بی‌گناهی باشد. در حال حاضر در بیشتر کشورها از جمله آلمان و ایتالیا هیچ کمیسیون، قانون، دادگاه و یا فرآیند تخصصی برای رسیدگی به ادعاهای بی‌گناهی پیش‌بینی نشده و از نظام رسیدگی فوق‌العاده پیروی می‌کنند. البته، از نظر آئین دادرسی، اعاده دادرسی سازوکار خاصی محسوب می‌شود؛ زیرا فردی که به طور قطعی محکومیتش احراز شده است، می‌تواند با اثبات جهات خاصی ادعای بی‌گناهی خود را مطرح و تقاضای رسیدگی مجدد کند.

وقتی نظام عدالت کیفری، رسیدگی مجدد فوق‌العاده را برای اثبات بی‌گناهی پیش‌بینی می‌کند، بدین معنا است که احتمال وقوع خطا را پذیرفته است. با این وجود، بررسی این موضوع که به چه میزان خود را در قبال احراز و اصلاح آن مسئول می‌داند، بسیار مهم است.

پس از آن که حکم قطعی محکومیت افراد بی گناه صادر می شود، چند وضعیت را می توان برای آن ها تصور کرد:

اولین گروه، شامل محکومانی است که پس از محکومیت این فرصت را پیدا می کنند تا از طریق طرح رسیدگی فوق العاده و با ارائه ادله جدید یا اثبات جعلی بودن ادله پیشین، حکم محکومیت خود را نقض کنند و تبرئه شوند. در این دسته، محکومان بی گناه به طور رسمی و با حکم دادگاه تبرئه می شوند. تبرئه آنها بدین معنا است که واقعا رفتار مجرمانه انتسابی را مرتکب نشده بودند.

دومین گروه، شامل محکومانی است که حکم محکومیت آنها به دلیل رعایت نکردن برخی مقررات و قوانین نقض می شود. مانند آنکه حق سکوت متهم، حق دسترسی به وکیل و تحصیل ادله به شیوه نامشروع به عنوان حقوق قانونی متهم نقض شده باشد. در این صورت، به رغم آنکه حکم محکومیت صادره به دلیل نقض قوانین شکلی و دادرسی نقض می شود، ولی هیچ گاه شخص ماهیتا و واقعا بی گناه اعلام نمی شود. نظام عدالت کیفری و نیز مردم عادی این فرد را واقعا بی گناه نمی دانند. در واقع، مبنای رهایی محکوم از مجازات، فنی است نه ماهوی و واقعی.

از دسته نخست به بی گناه واقعی یا حقیقی^۱ تعبیر می شود و از دسته دوم، به بی گناهی حقوقی یا فنی.^۲ (Smith et al, 2011:664)

سومین گروه، شامل محکومانی است که مشمول عفو می شوند. در برخی کشورها، مانند ایالات متحده آمریکا، در مواردی محکومان بی گناه به وسیله مقامات دولتی یا قضایی بلندپایه، مانند فرماندار یک ایالت، عفو می شوند. (Borchard, 1932: viii) در این وضعیت، فرد از مجازات رهایی پیدا می کند، ولی دادگاه حکم بر بی گناهی صادر نمی کند.

چهارمین گروه، محکومانی هستند که مقامات مسئول دولتی و قضایی در نهایت فقط از آنها عذرخواهی می کنند. کانادا از جمله این کشورهاست. در این نوع پرونده ها، از سویی، ادله بی گناهی مدت ها پس از محاکمه آشکار و موجب شک و تردید در اعتبار حکم می شود و از سوی دیگر، موانع قانونی شکلی مانند مرور زمان مانع رسیدگی مجدد در دادگاه می شود. در هر صورت، عملایی گناهی شخص در دادگاه ثابت نمی شود. (Ramsey, 2003: 10)

سرانجام گروه پنجم، شامل محکومانی می شود که هیچگاه بی گناهی شان چه با حکم

1. Factual innocence

2. Legal innocence

دادگاه و چه به طریق دیگر آشکار و ثابت نمی‌شود. آنها در صورتی که مشمول مجازات‌های بدنی و سالب حیات نشوند، سال‌ها در زندان، مجازات جرم مرتکب نشده را تحمل خواهند کرد.

اعاده دادرسی، ساز و کاری است که محکومان بی‌گناه گروه اول از آن برای اثبات بی‌گناهی خود استفاده می‌کنند. در این ساز و کار، محکومان طی شرایط خاصی که عمدتاً کشف ادله جدید است، اثبات بی‌گناهی خود را از طریق رسیدگی فوق‌العاده تقاضا می‌کنند. ایران مانند بیشتر کشورها از همین نظام تبعیت می‌کند. در نظام حقوقی ایران به موجب ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ محکوم بنا به جهاتی که اغلب آن‌ها مربوط به نادرست بودن ادله محکومیت می‌شد، مانند جعلی بودن اسناد و نادرست بودن شهادت شهود، می‌توانست از دیوان عالی کشور رسیدگی فوق‌العاده، یعنی اعاده دادرسی را تقاضا کند.^۲

مطابق با این ماده و مواد بعدی قانون مورد اشاره، استفاده از سازوکار اعاده دادرسی منوط به وجود شرایطی است: اولاً) جهات مزبور حصری هستند. ثانیاً) فقط محکومان آراء قطعی می‌توانند اعمال آن را تقاضا کنند. ثالثاً) محدودیت زمانی ندارد.^۳

تقریباً همه این جهات، مربوط به ادله می‌شوند که در زمان محاکمه وجود نداشته‌اند، در دسترس نبوده‌اند و یا جعلی بودن آنها بعداً مشخص شده است. با این وجود، مشخص نیست منطبق این که ادله قابل استناد، محدود به جهات مقرر شده‌اند چیست. علت چنین تردیدی این است که قانونگذار به رغم آنکه در مقام بیان ادله جعلی بوده است، صرفاً به دلیل شهادت

۱. جهات هفت‌گانه مقرر در این ماده شامل موارد ذیل می‌شود:

۱) این ماده مقرر می‌دارد: در صورتی که کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شده لیکن زنده بودن شخص در آن زمان محرز شود و یا ثابت شود که در حال حیات است. ۲) در صورتی که چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب جرم به گونه‌ای است که نمی‌تواند بیش از یک مرتکب داشته باشد. ۳) در صورتی که شخصی به علت انتساب جرمی محکومیت یافته و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی دیگر به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد بطوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم صادره بی‌گناهی یکی از آن دو نفر محکوم احراز شود. ۴) جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنای حکم صادر شده بوده است ثابت گردد. ۵) در صورتی که پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر شود یا دلایل جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه باشد. ۶) در صورتی که به علت اشتباه قاضی کیفر مورد حکم متناسب با جرم نباشد. ۷) در صورتی که قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در این صورت پس از اعاده دادرسی مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد.

۲. - بند ۷ ماده مزبور به موجب ماده قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسخ شده و از موضوع بحث به طور کلی خارج است.

۳. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۸؛ زراعت، عباس، اعاده دادرسی در امور کیفری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۰۵ تا ۱۲۹

گواهان و سند اشاره کرده است. همین ابهام، در خصوص نظریه کارشناسی نادرست و غیرواقع نیز وجود دارد. با این وجود، تردیدی وجود ندارد که خارج کردن احکام محکومیت مبتنی بر اقرار یا نظریه کارشناسی نادرست از شمول اعاده دادرسی با منطوق و فلسفه اعاده دادرسی منطبق نیست. با توجه به شکلی بودن ماهیت ماده مزبور و امکان تفسیر موسع در این موارد،^۱ با استناد به بندهای ۴ و ۵ می توان دعوا را استماع و حکم بر بی گناهی داد.^۲

جز بند ۷، مفاد سایر بندها دلالت بر بی گناهی واقعی، یعنی فرد ناکرده بزه دارد. به عبارت دیگر، در بند ۷ محکوم علیه رفتار مجرمانه انتسابی را به واقع مرتکب شده است ولی دادگاه مجازاتی شدیدتر از مجازات قانونی تعیین کرده است. برخلاف سایر بندها که دادگاه در صورت احراز صحت ادعا مکلف به صدور حکم بی گناهی است، ضمانت اجرای این بند صرفاً تعیین مجازات قانونی است. در این نوع از خطا، محکوم علیه، بی گناه واقعی نیست.^۳

در صورتی که دیوان عالی کشور تقاضای بی گناهی را مقرون به واقع تشخیص دهد، رسیدگی به آن را به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم محکومیت ارجاع می دهد. البته نکته این است که این دادگاه همواره مکلف به صدور حکم بی گناهی نیست و می تواند حکم به مجرمیت دهد. همین مساله از ایرادات نظام اعاده دادرسی است. از سویی، رسیدگی ماهوی از وظایف قانونی تعریف شده دیوان عالی کشور نیست،^۴ و از سوی دیگر، تحمیل رسیدگی دوباره به فرد بی گناهی که به علت خطای نظام عدالت کیفری محکوم و بی گناهی

۱. البته حتی می توان گفت پیش از تمسک به قاعده امکان تفسیر موسع قوانین شکلی، تفسیر منطقی نیز در این خصوص کارساز باشد. همانگونه که گفتیم، فلسفه اعاده دادرسی نقض احکام محکومیتی است که بر اساس ادله جعلی و نادرست صادر شده است. بنابراین، استثناء کردن برخی از ادله خارج از منطوق حقوقی ماده مزبور است. با این حال، جهت ملاحظه نظریاتی که قایل به امکان تفسیر موسع قوانین شکلی هستند. نک:

اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، تهران: میزان. جلد نخست، ویراست دوم، چاپ سی و یکم.
۲. شایان ذکر است که فناوری DNA در حوزه محکومیت بی گناهان یک نقطه عطف محسوب می شود. بسیاری از بی گناهی ها از طریق آزمایش مزبور به اثبات رسیده و می رسند. به رغم عدم تصریح ماده به دلیل DNA، فناوری مزبور، در پرونده هایی که امکان دسترسی به آن وجود دارند، می تواند به عنوان یک دلیل جدید (موضوع بند ۵) موجب اثبات بی گناهی محکومان گردد.

۳. محکومیت بی گناهان از مصادیق مفهوم گسترده تری به نام خطاهای قضایی (Miscarriages of justice) است. خطاهایی مانند تعیین مجازاتی شدیدتر از مجازات قانونی، در زیر مجموعه خطاهای قضایی قرار می گیرند، نه محکومیت بی گناهان. برای مطالعه بیشتر نک:

Naughton, M, The innocent and the criminal justice system, a sociological analysis of miscarriage of justice, Palgrave Macmillan, New York. 2013; Turvey, Brent E., Carraig M. Cooley, Miscarriage of justice, Actual innocence, forensic evidence, and law, Google Books.htm 2014

۴. هر چند که مطابق با ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که در ادامه این مقاله بررسی شده است، دیوان عالی کشور در موارد خلاف بین شرع، رسیدگی ماهوی کرده و رای صادر می کند.

اش نیز توسط بالاترین مرجع قضایی احراز شده است، منصفانه به نظر نمی‌رسد. شاید یک راه حل این باشد که در پرونده‌هایی که محکوم علیه با استناد به ادله نادرست برای جرم مرتکب نشده محکوم شده است، یعنی بی‌گناه واقعی است، دیوان عالی کشور ضمن نقض حکم محکومیت، با اعلام بی‌گناهی محکوم، از ارجاع پرونده برای رسیدگی مجدد خودداری کند. با این حال، در مورد پرونده‌هایی که ارتکاب جرم محرز است، ولی خطاهای فنی و شکلی، مانند عدم رعایت حق سکوت و فراهم نکردن دسترسی متهم به وکیل مشاهده شود، طبق روال معمول، حکم محکومیت نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض ارجاع شود. البته، در حال حاضر با توجه به قوانین فعلی، دیوان عالی کشور در هر حال تنها یک تصمیم می‌تواند اتخاذ کند و آن نقض حکم و ارجاع به شعبه هم‌عرض برای رسیدگی مجدد است. همچنین ممکن است که دادگاه بدون آن که محکوم را بی‌گناه بداند، ولی حکم به مجازات خفیف‌تر دهد. برای نمونه، قتل عمد را به غیر عمد، زنای محصنه را به غیر محصنه، سرقت مشدد را به ساده و ... تبدیل کند. همانگونه که پیش‌تر توضیح داده شد، این موارد از شمول مفهوم بی‌گناهی واقعی خارج است. در این مورد نیز، نقض حکم و رسیدگی مجدد بهترین تصمیم است.

با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون سال ۱۳۷۸ نسخ گردیده و ماده ۴۷۴ جایگزین ماده ۲۷۲ شده است.^۱ در قانون جدید تغییرات چندانی مشاهده نمی‌شود و رویکرد قانونگذار به طور عمده مشابه قانون قبلی است.

به رغم آنکه فرصت مناسبی بود ابهامات و نقص‌های موجود در ماده ۲۷۲ قانون ۱۳۷۸ بر طرف شود، ولی چنین اقدامی صورت نگرفت. البته، به سه جهت جدید تصریح شده است: صدور احکام متعدد نسبت به اتهام واحد، محکومیت به عملی که جرم نبوده است و محکومیت به مجازاتی بیش از میزان مقرر در قانون. بند ت و قسمت نخست بند ج از نوآوری‌های قانون

۱. شایان ذکر است اجرای قانون جدید به موجب مصوبه مجلس تا تیر ماه ۱۳۹۴ به تعویق افتاده است بنابراین در حال حاضر، زمان نگارش مقاله، قانون لازم‌الاجرا کماکان قانون سال ۱۳۷۸ است. از همین جهت، در این مقاله هر دو قانون مدنظر قرار گرفته‌اند. جهاتی که در این ماده آمده به ترتیب ذیل است:

الف- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد. ب- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قایل شد. پ- شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز گردد. ت- درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متعددی صادر شود. ث- در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع، مبنای حکم بوده است. ج- پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه یا عدم تقصیر وی باشد. چ- عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات قانونی باشد.

جدید محسوب و به جهات اعاده دادرسی افزوده شده اند. جهت نخست، از مصادیق بی گناهی حقوقی است، زیرا شخص محکوم رفتار مجرمانه انتسابی را به واقع مرتکب شده است، ولی دادگاه های مختلف بدون توجه به محکومیت پیشین وی، مجددا حکم به محکومیت داده اند. منظور از جهت دوم، رسیدگی ماهیتی مجدد به ادله ای که بر عدم انتساب ارکان مادی و معنوی جرم به محکوم علیه دلالت دارند، نیست؛ بلکه منظور جرم نبودن رفتار ارتكابی به طور کلی است. البته، به ندرت ممکن است مجموعه کنش گران حرفه ای نظام عدالت کیفری، شامل پلیس، دادستان، بازپرس و قضات، چنین خطایی را مرتکب شوند. جهت سوم از مصادیق خطاهای قضایی است نه محکومیت بی گناهان، زیرا فرد محکوم شده بی گناه نیست، ولی مجازات تعیین شده بیش از مجازات پیش بینی شده در قانون است.

از تغییرات بسیار مفید قانون جدید، تصریح به توقف اجرای مجازات های سالب حیات و بدنی به محض تقاضای اعاده دادرسی است.^۱ علت آن هم غیر قابل جبران بودن این مجازات ها در صورت اجرا است. بنابراین، افرادی که به مجازات های بدنی مانند قصاص، اعدام، شلاق، سنگسار، قطع اعضاء بدن محکوم گردند، در صورتی که مدعی بی گناهی شوند، دیوان عالی کشور مکلف است در گام اول دستور توقف اجرای مجازات را بدهد.

در کنار اعاده دادرسی موضوع ماده ۲۷۲ قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ و ۴۷۴ قانون ۱۳۹۲، ممکن است که حکم قطعی محکومیت به دلیل خلاف بین شرع بودن و بنا به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دوباره رسیدگی، حکم محکومیت نقض و فرد محکوم، بی گناه اعلام شود. به موجب ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۵ در صورت خلاف بین شرع بودن آراء قطعی، با تشخیص رئیس قوه قضائیه به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی، پرونده جهت رسیدگی به شعبه هم عرض ارجاع می شود. اعاده دادرسی به جهت خلاف بین شرع بودن، بر خلاف اعاده دادرسی عادی، هم شامل محکومان و هم شکات می شود. به این ترتیب، ممکن است متهمی که به طور قطعی تبرئه شده است با رسیدگی مجدد، محکوم شود. در واقع، این ماده جایگزین مواد ۲۳۵ و ۲۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ شد.

نکته بسیار حایز اهمیت آن است که با تصویب این ماده، مواد ۲۳۵ و ۲۶۸ قانون آئین

۱. تبصره ماده ۴۷۸: در صورتی که مجازات مندرج در حکم، از نوع مجازات های سالب حیات یا سایر مجازات های بدنی باشد، شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می دهد.

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به موجب ماده ۳۹ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱، به طور صریح نسخ شد. با مقایسه مفاد ماده ای که تصویب شده با موادی که نسخ شده این نتیجه به دست می آید که امکان رفع و اصلاح خطاهای قضایی و به ویژه محکومیت بی گناهان تا حد قابل توجهی محدود شده است. ساز و کار پیش بینی شده در ماده ۲۳۵ همواره این امکان را فراهم می کرد تا یک رای اشتباه اصلاح شود. این اعلام اشتباه می توانست علاوه بر خود قاضی صادر کننده، از سوی رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس حوزه قضایی و یا هر قاضی دیگری که طبق مقررات پرونده تحت نظر او قرار می گرفت، اعلام شد و پیگیری شود. علاوه بر این، مطابق با تبصره ۲ همین ماده، در صورت احراز تخلف قاضی در دادگاه انتظامی قضات و موثر بودن این تخلف در حکم صادر شده، این مرجع مکلف بود مراتب را جهت اصلاح رای به دادستان کل کشور اعلام کند.

از سویی، ساز و کار پیش بینی شده در ماده ۲۳۵ لغو شد و از سویی دیگر، مفاد ماده ۱۸ تغییرات زیادی کرده است. به دلیل حجم بالای تقاضای اعمال ماده اخیر، ابتدا در سال ۱۳۸۵ جهت خلاف بین قانون حذف و منحصر به خلاف بین شرع شد. مرجع تشخیص خلاف بین شرع نیز رئیس قوه قضائیه تعیین و اعلام این اشتباه نیز صرفاً به دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و روسای کل دادگستری محدود شد. سپس در سال ۱۳۸۸، ریاست فعلی قوه قضائیه آئین نامه ای را در سال ۱۳۸۸ تصویب کرده اند که کلیه دادگستری ها را از دریافت تقاضای اعمال مفاد این ماده منع کرده است. آنگاه، مشخص نیست زمانی که افراد نتوانند تقاضای رسیدگی خود را مطرح کنند، اجرای این ساز و کار به چه صورت ممکن می شود. تصور اینکه شخص ریاست قوه قضائیه، دادستان کل کشور و روسای کل دادگستری ها بر همه آراء نظارت داشته باشند امری محال است. با بررسی این فرآیند به نظر می رسد همانگونه که از مفاد ماده ۱ این آئین نامه استنباط می شود، حفظ اعتبار آراء و عدم رسیدگی مجدد هدف مرجعی بر شناسایی اشتباهات قضایی احتمالی بوده است.^۱

در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار مفاد ماده مزبور را در قالب ماده ۴۷۷ پیش بینی کرده است. با اجرایی شدن قانون اخیر، ماده ۱۸ نسخ شد. به موجب این ماده در صورتی که رئیس قوه قضائیه رای قطعی صادره از هر یک از مراجع قضایی را خلاف بین شرع

۱. این ماده مقرر می کند: «نظر به ضرورت ثبات آراء و اکتفا به روشهای اصلی بازنگری در آراء قطعی و جلوگیری از تزلزل آنها و ممانعت از توقف بی ظایفه اجرای احکام قطعی و رفع اطلاع دادرسی، از تاریخ تصویب این آیین نامه، نحوه اجرای ماده ۱۸ قانون اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ به شرح مواد آتی خواهد بود.»

تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می یابد رسیدگی و رای قطعی صادر نماید. این شعب خاص، رای قطعی قبلی را نقض کرده و پس از رسیدگی مجدد شکلی و ماهوی رای مقتضی را صادر می نمایند. به موجب تبصره ۳ ماده مزبور، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و رئیس کل دادگستری استان مقاماتی هستند که می توانند در صورت تشخیص خلاف بین شرع بودن آراء حقوقی و کیفری مراتب اعمال مفاد ماده را از رئیس قوه قضائیه تقاضا کنند.

در این نوع از اعاده نیز همانند اعاده عادی، در صورتی که حکم محکومیت خلاف بین شرع تشخیص داده شود، لزوما حکم بر بی گناهی داده نخواهد شد، بلکه شعبه مورد نظر رسیدگی مجدد خواهد کرد. از نکات جالب توجه این که، بر خلاف اعاده دادرسی عادی که در صورت پذیرش ادعای بی گناهی، پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض صادر کننده رای قطعی ارجاع می شود، در اعاده دادرسی خلاف بین شرع، رسیدگی مجدد توسط شعب ویژه ای در دیوان عالی کشور، به عنوان عالی ترین نهاد قضایی در رسیدگی به دعاوی، انجام خواهد گرفت.

همانگونه که بیان شد، اعاده دادرسی اخیر، منحصر به حکم محکومیت نیست، بلکه ممکن است حکم برائت نیز خلاف بین شرع تشخیص و متهم محکوم شود. در واقع، همانند کشورهایی مانند آلمان، هم اعاده دادرسی به نفع محکوم و هم به ضرر او پیش بینی شده است. با این تفاوت که در قانون ایران تنها جتهی که ممکن است موجب نقض حکم قطعی بی گناهی شود، خلاف بین شرع بودن است؛ در حالی که در قانون آیین دادرسی کیفری آلمان جهات دیگری مانند اثبات جعلیت یا نادرستی ادله پیشین موجب نقض بی گناهی و رسیدگی مجدد محسوب می شوند (German Code of Criminal Procedure, available at: http://www.gesetze-im-internet.de/englisch_stpo/). اعاده دادرسی به ضرر محکوم، بر مبنای این ایده استوار است که خطای قضایی در اجرای عدالت اعم از به ضرر یا نفع متهم و محکوم باید اصلاح شود. تیرنه نادرست یکی از مصادیق خطای قضایی است. (Turvey, 2014)

مشکل عمده نظام اعاده دادرسی، محدودیت ها و موانع قانونی متعدد آن است؛ به نحوی که در بسیاری از پرونده هایی که ممکن است فرد، واقعا بی گناه باشد به دلیل موانع شکلی، مانند محصور و مشروط بودن جهات طرح ادعای بی گناهی یا مرور زمان، نمی تواند از این ساز و کار استفاده کند. دیوان عالی کشور در آراء متعددی با استناد به همین موانع و محدودیت ها درخواست اعاده را رد کرده است. برای نمونه، رجوع از شهادتی که شاهد پس از قطعیت حکم و

به موجب اقرارنامه رسمی به عمل آورده بود را از جهات اعاده ندانسته است. یا در رای دیگری، رجوع شاهد از شهادت را زمانی موجب پذیرش اعاده دانسته که کذب بودن آن در دادگاه دیگری ثابت شود ولو آنکه شخص شاهد به کذب بودن گواهی خود مقرر باشد. (مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور، ۱۳۹۳، صص ۵۱-۴۹)

بنابراین، با توجه به چنین شرایطی استفاده از این ساز و کار صرفاً جنبه استثنایی دارد. همچنین، این ساز و کار نظام عدالت کیفری کمک‌چندانی برای شناسایی و احراز بی‌گناهی محکومان نمی‌کند؛ زیرا اثبات بی‌گناهی و جهات مندرج در قانون، بر عهده محکوم علیه است. ماده ۲۷۳ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۷۸ به رغم آنکه علاوه بر محکوم علیه، دادستان را نیز در زمره افراد ذیصلاح برای طرح دعوا اعلام نموده است، اما تکلیفی را متوجه وی نکرده است. این موضوع را می‌توان از کلمه «حق» مندرج در صدر ماده استنباط کرد. در واقع، از نظر نظام عدالت کیفری کسی که بر اساس حکم قطعی محکوم می‌شود، قطعاً مجرم واقعی است. از همین رو، خود را برای اثبات خلاف آن مکلف نمی‌داند.

۱-۲- نظام تخصصی

منظور از نظام تخصصی، وجود قوانین، فرایندها و نهادهای تخصصی در رسیدگی به ادعاهای بی‌گناهی است. در نظام حقوقی ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر هیچ نهاد، فرآیند و قانون تخصصی برای رسیدگی به ادعاهای بی‌گناهی پیش نشده است. کشورهای معدودی هستند که دارای چنین نظامی هستند: مانند کشور های آمریکا و انگلستان که مبتنی بر نظام کامن لا بوده و هیات منصفه در محکومیت متهمان نقش تاثیر گذاری دارد. در این بند، نظام تخصصی احراز بی‌گناهی در کشورهای انگلستان و آمریکا را بررسی می‌کنیم.

۱-۲-۱- احراز بی‌گناهی در نظام کیفری انگلستان

انگلستان در سال ۱۹۹۷، اولین هیات فراقضائی را در دنیا برای بررسی «خطاهای قضایی»^۱ تشکیل داد. این هیات که کمیسیون بازبینی پرونده های کیفری (CCRC)^۲ نامیده می‌شود، از آن سال تاکنون (۲۰۱۴) بیش از ۱۸۱۱۵ پرونده را بازبینی کرده است.^۳ جالب است که این

1. miscarriages of justice

2. Criminal Cases Review Commission

۳. شایان ذکر است کمیسیون مشابهی در اسکاتلند (به عنوان بخشی از بریتانیا) در سال ۱۹۹۹ تشکیل شده است با نام کمیسیون بازبینی پرونده های کیفری اسکاتلند (SCCRC)

کمیسیون علاوه بر پرونده های بی گناهی واقعی، برخی دیگر از انواع خطاهای قضایی را نیز بررسی می کند. به عبارت دیگر، کمیسیون بازبینی پرونده های کیفری علاوه بر پرونده های بی گناهی واقعی پرونده های دیگر مانند کیفردهی ناعادلانه را نیز بازبینی می کند. در نتیجه، آماری که کمیسیون مزبور ارائه کرده تا حدودی گمراه کننده است. برای نمونه، از میان ۱۲,۵۰۰ پرونده ای که کمیسیون مزبور بازبینی کرده، ۴۴۹ پرونده را برای بازبینی بیشتر به دادگاه

استیناف ارجاع داده است. (<https://www.justice.gov.uk/about/criminal-cases-review>)

commission, visited on 02/10/2014

وب سایت این کمیسیون بیان کرده که از میان حدود ۱۷۰۰۰ پرونده ای که بازبینی شده، ۵۶۰ پرونده برای رسیدگی به دادگاه استیناف^۱ ارجاع شده است. از میان این ۵۶۰ پرونده، ۳۷۰ پرونده نقض و ۱۵۳ عدد تأیید شده است؛ مابقی نیز تحت رسیدگی است. (Ibid) با این حال، علت نقض پرونده ها مشخص نشده است. این پرونده ها تبدیل جرم انتسابی به جرم خفیف تر، مانند تخفیف جرم قتل عمد به قتل غیر عمد را نیز شامل می شوند. همچنین شامل پرونده هایی هستند که در آنها بر اساس ادعای محکوم، محاکمه جدیدی برگزار شده و سپس در این محاکمه برای بار دوم نیز محکوم شده است. علاوه بر آن، نگاهی دقیق تر به برخی از این محکومیت های نقض شده نشان می دهد که گاه این پرونده ها شامل جرم های بسیار خفیف بودند. مانند: «تقلب در استفاده از خدمات مخابراتی»^۲، «عدم کنترل خطرناکی سگ در مکان های عمومی»^۳ و حتی «داشتن خانه ای که مخل نظم، اخلاق و آسایش عمومی است»^۴.

در حالی که کمیسیون بازبینی پرونده های کیفری در ابتدا به این دلیل تشکیل شد که به جرایم شدیدی مانند قتل عمد - که اعتراض محکوم علیه در دادگاه استیناف رد شده بود- را بازبینی کند، در سال های اخیر با افزایش حجم پرونده ها، بسیاری از ادعاهای بی گناهی درست، مدت طولانی را در نوبت مانده اند. در واقع، به همین دلیل در حال حاضر فاقد اثر بخشی کافی در حمایت از محکومان بی گناه است. البته، حامیان این کمیسیون معتقدند که منتقدان به جای توجه به کارهای موفقیت آمیزی که این کمیسیون انجام می دهد، یعنی بازبینی پرونده های افراد بی گناهی که بدون کمک این کمیسیون هیچ وقت آزاد نمی شدند، بر کارهایی که انجام نمی شود تمرکز دارند. (Steven, 2012: 449)^۵

1. the Court of Appeal
2. dishonestly obtaining a telecommunication service
3. allowing a dog to be dangerously out of control in a public place
4. keeping a disorderly house
5. Steven M, Cytryn, Op.cit, 2012, p 449

۱-۲-۲- احراز بی‌گناهی در نظام کیفری آمریکا

یکی از تخصصی‌ترین ساز و کار رسیدگی به ادعای بی‌گناهی در کشور آمریکا، قانونی است که در سال ۲۰۱۰ طرح و در سال ۲۰۱۴ به تصویب مجلس نیویورک رسید.^۱ در واقع، می‌توان گفت مهم‌ترین گام ایالت نیویورک جهت اصلاح نظام عدالت کیفری در خصوص محکومانی که مدعی بی‌گناهی اند، تصویب «قانون عدالت برای بی‌گناهی واقعی»^۲ است. این قانون به گونه‌ای طراحی شده که با نگاه تخصصی به بی‌گناهی واقعی، یعنی محکومی که اساساً مرتکب جرم انتسابی نشده است، محکومیت صادر شده را به چالش می‌کشد و سعی می‌کند موانع اثبات بی‌گناهی فردی که به اشتباه محکوم شده را از بین ببرد.

با تصویب این قانون، آئین نامه پس از محکومیت نیویورک^۳ به گونه‌ای اصلاح می‌شود که شامل ادعای بی‌گناهی واقعی نیز باشد. در واقع، این قانون به نوعی آراء دادگاه‌ها که بر اساس قاعده معروف به کول^۴ صادر می‌شدند را سازماندهی کرد. بر طبق این قانون، این امکان برای محکوم علیه فراهم می‌شود تا در صورتی که بتواند با استفاده از ادله واضح و قانع‌کننده ثابت کند، کنشگران حرفه‌ای نظام عدالت کیفری (مانند پلیس، بازپرس، دادستان و قاضی) در محکومیت او مرتکب خطا شده اند، از محکومیت رهایی می‌یابد. همچنین، دادگاهها می‌توانند همه ادله موجود را در نظر گیرند. (Cytryn, 2012:494)

بنابراین، نکته جالبی که در این قانون مشاهده می‌شود این است که در صورتی که ثابت شود محکوم علیه واقعا بی‌گناه بوده است، دادگاه رسیدگی‌کننده باید علاوه بر نقض حکم، حکم بر بی‌گناهی دهد. در نظام عمومی، دیوان عالی کشور پس از نقض حکم، پرونده را جهت رسیدگی دوباره به شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده رای ارجاع می‌دهد. همچنین، به موجب این قانون، دادگاه می‌تواند تمامی ادله موجود را که بر نادرست بودن حکم و بی‌گناه بودن محکوم دلالت دارد را بررسی کرده و مورد استناد قرار دهد. در واقع، این قانون، نقص‌های شکلی مانند جهات محصور درخواست که بر نظام عام اعاده دادرسی وارد است را تا حد زیادی بر طرف کرده است. پیام این قانون آن است که وقتی فرد بی‌گناهی محکوم شده است،

۱. شایان ذکر در خصوص این قانون و طرح اولیه آن تاریخ‌های مختلفی گفته شده است. در برخی از منابع تاریخ طرح ۲۰۰۹ و تصویب ۲۰۱۲ آمده است.

2. See: <http://open.nysenate.gov/legislation/bill/>

3. post-conviction statute

4. Cole;

کول که سرباز نظامی آمریکایی و دانشجوی دانشگاه فناوری نگراس بود به جرم تجاوز به یک دانشجو محکوم شد و پس از سپری کردن ۱۴ سال در زندان درگذشت.

باید بتواند فارغ از موانع شکلی قانونی، بی گناهی خود را ثابت کند. بسیاری از وکلا و حقوقدانان طرفدار اصلاح نظام عدالت کیفری به شدت از این قانون حمایت کرده اند. برای نمونه گلن گاربر،^۱ از پیشنهاد دهندگان طرح مزبور، پیش از تصویب بیان کرد که این قانون «گامی بزرگ به سوی دستیابی به عدالت برای زندانیانی است که واقعاً بی گناه بوده و به اشتباه در نیویورک محکوم شده اند». [http://www.nysenate.gov/press-release/on Wednesday, October 21st, 2009](http://www.nysenate.gov/press-release/on%20Wednesday%2C%20October%2021st%2C%202009) دیوید لافتیس،^۲ وکیل و مدیر طرح بی گناهی بیان کرد، از آنجایی که دلیل DNA فقط در ۵ تا ۱۰ درصد از پرونده ها در دسترس است، قانون مورد نظر «به مردم کمک می کند وقتی آزمایش DNA امکان پذیر نیست بی گناهی شان را اثبات کنند». (ibid)

قانون پیش گفته اصلاحات مهمی را در نظام عدالت کیفری نیویورک ایجاد می کند. این قانون، صرف ادعای ساده بی گناهی واقعی را به رسمیت می شناسد و به آن رسیدگی می کند. علاوه بر آن، به دادگاه این امکان را می دهد تا «تمام» ادله مربوطه را صرف نظر از درجه اعتبارشان مد نظر قرار دهد و در صورت تشخیص، حکم به تبرئه دهد؛ بدون آنکه پرونده را وارد فرایند محاکمه مجدد کند.

با این وجود، این قانون از دو جهت ایراد دارد:

اول) به رغم تمرکز بر مفهوم مضیق و پایه بی گناهی، یعنی فردی که رفتار مجرمانه انتسابی را مرتکب نشده است، تعریفی از آن ارائه نکرده است. دوم) محکومی که مدعی بی گناهی است، باید ادعایش را در دادگاهی که حکم محکومیتش را صادر کرده مطرح کند؛ یعنی محاکمه می تواند بوسیله همان قاضی یا قاضی دیگری که به طریقی با پرونده ارتباط دارد رسیدگی شود. طبیعتاً این سوال مطرح می شود که آیا چنین رسیدگی می تواند واقعا بی طرفانه باشد؟

در سال ۲۰۰۷، در ایالت کارولینای شمالی آمریکا، کمیسیون بررسی بی گناهی تشکیل شد. «کمیسیون بی گناهی کارولینای شمالی»^۳ به نگرانی های اشاره شده توجه داشته است. این کمیسیون، هیاتی مستقلی را برای رسیدگی به ادعاهای بی گناهی واقعی تعیین کرده است. کمیسیون بررسی بی گناهی کارولینای شمالی بر اساس مدلی تأسیس شده که فقط بر بی گناهی واقعی تأکید دارد. در واقع به نظر می رسد که این کمیسیون، با مدنظر قراردادن عملکرد کمیسیون بازبینی پرونده های

1. Glenn Garber

2. David Loftis

3. The North Carolina Innocence Inquiry Commission

کیفری انگلستان و قانون عدالت برای بی‌گناهی واقعی نیویورک تشکیل شده است. در واقع، کارولینای شمالی تنها ایالتی است که کمیسیونی مستقل را صرفاً برای رسیدگی به پرونده‌های بی‌گناهی واقعی طراحی کرده است. بدین ترتیب، این کمیسیون پرونده‌هایی که در آنها محکوم مدعی است مجازات تعیین شده شدیدتر از مجازات قانونی است یا مدعی موجه بودن ارتکاب جرم به جهت دفاع مشروع است را مورد بررسی قرار نمی‌دهد؛ زیرا چنین ادعاهایی مرتبط با بی‌گناهی واقعی نیست. علاوه بر این، این کمیسیون به متهمان نیز اجازه داده است تا در پرونده‌هایی که محکومیت آنها بر اساس اقرار به ارتکاب جرم انتسابی بوده است، ادعای بی‌گناهی خود را مطرح کنند. <http://www.ncga.state.nc.us/EnactedLegislation/Statute> visited on 03/10/2014

اساسنامه کارولینای شمالی برخلاف قانون عدالت برای بی‌گناهی واقعی و کمیسیون بازبینی پرونده‌های کیفری انگلستان، بی‌گناهی واقعی را به طور صریح تعریف کرده است: «ادعایی به نفع یک فرد زنده که به ارتکاب جرمی محکوم شده است ... که اثبات می‌کند فرد نسبت به هرگونه مسئولیت کیفری مربوط به جرمی (از درجه جنایت) که به آن محکوم شده کاملاً بی‌گناه است و ادله معتبر و قابل تأیید در مورد بی‌گناهی وی وجود دارد؛ که این قبلاً به دادگاه ارائه نشده بود یا در دادگاهی که پس از محکومیت برگزار شده بود در نظر گرفته نشده بود». (Ibid, 15A-1460)

اساسنامه کارولینای شمالی نیز همانند قانون عدالت برای بی‌گناهی واقعی، فرایند فوق‌العاده را برای رسیدگی پیش‌بینی کرده است، ولی با این تفاوت که نهادی کاملاً مستقل را تشکیل داده است که به طور ویژه برای بررسی چنین ادعاهایی طراحی شده است. این کمیسیون متشکل از ۸ عضو رأی‌دهنده و همچنین یک قاضی، دادستان، وکیل مدافع، وکیل بزه‌دیده، عضوی از جامعه، کلانتر و دو عضو اضافی مشخص نشده است. (15A-1463) پرونده‌هایی در اولویت قرار دارند که محکوم علیه به دلیل جرمی که نسبت به آن ادعای بی‌گناهی واقعی دارد زندانی است. کمیسیون مزبور باید «تمام ادله مربوطه»^۱ را در نظر بگیرد. نکته مثبت آن که، «ممکن است هر دادگاه، شخص یا وکیلی ادعای بی‌گناهی واقعی را به کمیسیون ارائه دهد». (15A-1467(c))

این هشت عضو کمیسیون پس از بررسی تمام شواهد و ادله پرونده، رأی‌گیری می‌کنند که آیا پرونده برای بازبینی نهایی باید به هیأت متشکل از سه قاضی فرستاده شود یا خیر. ذکر این نکته حائز اهمیت است که حتی بعد از اینکه کمیسیون تصمیم به ارجاع پرونده برای بازبینی

1. "all relevant evidence."

می گیرد، هیاتی متشکل از سه قاضی برای چنین کاری انتخاب می شود. (15A-1468(c)) یعنی پرونده به دادگاه رسیدگی کننده اعاده نمی شود. این نکته، تفاوت بین پرونده های بی گناهی واقعی و دیگر راه حل های پس از محکومیت را به خوبی نشان می دهد. پرونده ای مستحق بازبینی قضایی است که کمیسیون تعیین کند ادله کافی مبنی بر بی گناهی واقعی وجود دارد. در پرونده هایی که متهم پس از محاکمه محکوم شده است به پنج رأی از سوی کمیسیون نیاز است تا پرونده برای ملاحظه ی نهایی فرستاده شود و در پرونده هایی که محکوم علیه به ارتکاب جرم اقرار کرده است، باید هر هشت عضو کمیسیون متفقاً رأی صادر کنند. (15A-1468(C))

اگر به یک پرونده تعداد رأی لازم داده شود، آنگاه تحت بازبینی هیات مستقلی شامل سه قاضی، که جزو قضات صادر کننده رای نیستند، قرار می گیرد. بنابراین، این قضات هیچگونه مداخله یا درگیری قبلی ای در پرونده ندارند. هیات متشکل از سه قاضی، بر اساس تمام ادله مربوط به پرونده به طور ویژه رسیدگی می کنند.

پس از جلسه دادرسی، این هیات مشخص می کند که آیا متهم بر اساس شواهد و ادله قانع کننده از جرم مبرا است یا خیر. این همان معیاری است که در قانون عدالت برای بی گناهی واقعی اتخاذ شده است. چنین تصمیمی مستلزم صدور رأی از سوی هر سه عضو به صورت اجماعی است و اگر درخواست مورد پذیرش قرار گیرد، اتهامات متهم لغو می شود. (15A-1469(h))

سرانجام آن که، اساسنامه مزبور تاکید می کند که ادعایی که در کمیسیون مطرح شده، مانع از حق متهم برای استفاده از آزادی پس از محکومیت نخواهد شد. (15A-1470) به نظر می رسد مفهوم این ماده آن است که رسیدگی در این کمیسیون تخصصی، مانع از طرح ادعای بی گناهی به طرق قانونی و ممکن دیگر، مانند اعاده دادرسی، نمی شود.

از سال ۲۰۰۷ تا کنون، این کمیسیون ۱۱۰۲ ادعا را دریافت کرده و به ۹۵۳ مورد رسیدگی کرده است. دلایل رد ادعاها عبارتند از: فقدان ادله جدید، عدم بی گناهی واقعی، ناتوانی در اثبات بی گناهی و عدم دسترسی به ادله معتبر. این کمیسیون در حال حاضر بازبینی را بر روی ۶ پرونده انجام می دهد و چهار پرونده را به هیات متشکل از سه قاضی فرستاده است. یک پرونده نیز منجر به تبرئه محکوم شده است. (Steven, 2012:501)

۲- نظام های جامعوی

در حال حاضر، برنامه ها و کمیسیون های جامعوی متعددی در برخی از کشورها، به ویژه

ایالات متحده، تشکیل شده است که هدف اصلی آنها بررسی پرونده های محکومان بی گناه شناسایی شده، تعیین علل چنین محکومیت‌هایی و ارائه توصیه و پیشنهاداتی برای پیشگیری از وقوع این عوامل در آینده است. پس از مختومه شدن همه راه های تجدیدنظر خواهی، محکومان بی گناه گزینه های کمی را برای رهایی از مجازات پیش رو دارند. نهادهای مدنی می توانند کمک موثری در اثبات بی گناهی کنند. البته، اغلب این نهادها شرایطی، از جمله امکان اثبات بی گناهی از طریق دلیل DNA را برای پذیرش و بررسی ادعاهای بی گناهی مقرر کرده اند. در ایران، چنین نهادهای مدنی تخصصی وجود ندارند. شیوه ها و نهادهای جامعه‌ی سه کشور آمریکا، انگلستان و کانادا که به لحاظ عملکرد سابقه قابل قبولی دارند در این گفتار بررسی می شوند.^۱

برنامه ها یا طرح های احراز بی گناهی،^۲ یک نهاد غیر انتفاعی حقوقی است که برای تبری محکومان بی گناه از طریق آزمایش DNA ایجاد شده اند و تلاش می کنند نظام عدالت کیفری را برای پیشگیری از بی عدالتی ها در آینده اصلاح کنند. در آمریکا طرح های احراز بی گناهی، ابتدا توسط باری اسپچک و پتر نوفیلد در سال ۱۹۹۲ در دانشکده حقوق بنیامین کاردوسو دانشگاه یشیوای نیویورک برای کمک به زندانیانی که می توانستند از طریق آزمایش DNA بی گناهی خود را ثابت کنند تاسیس شد. با ذکر این نکته که متعاقباً مورد حمایت دپارتمان عدالت ایالت متحده قرار گرفته است.^۳

۱. در کشورهای استرالیا، آرژانتین، نیوزلند، ایرلند و هلند نیز طرح های احراز بی گناهی تقریباً با ماهیت مشابه تشکیل شده است که برخی از آنها بسیار نوپا محسوب شده و در اوان فعالیت خود هستند. در استرالیا طرح های بی گناهی از اواسط سال ۲۰۰۱ آغاز به فعالیت کرد؛ یعنی چند دهه پس از طرح بی گناهی که توسط باری اسپچک و پتر نوفیلد در نیویورک ایجاد شده بود. نخستین طرح بی گناهی در دانشکده حقوق دانشگاه گریفیس^۱ در کوئیزلند و دانشگاه فن آوری سیدنی در نیوساس ولز ایجاد شد. (Weathered, 2004: 281) طرح های مزبور در اسانامه و فعالیت ها مشابه آمریکا هستند. در حال حاضر علاوه بر طرح بی گناهی دانشگاه گریفیس، دو طرح دیگر یکی در دانشگاه ملبورن^۱ و دیگری در دانشگاه ادیت کوان^۱ فعالیت دارند.

در آرژانتین ایده تشکیل طرح احراز بی گناهی در پاسخ به بازتاب های یک فیلم مستند^۱ آغاز شد. پس از پخش فیلم مزبور و متعاقباً اثبات بی گناهی فرناردو کارارا^۱ توسط دیوان عالی آن کشور، سازنده فیلم، انریکه پنیرو^۱، تقاضاهای بی شماری را از افرادی مشابه کارارا برای کمک به آنها دریافت کرد. این مساله باعث شد تا اقدام به تاسیس بنیادی در این خصوص با کمک متخصصان نماید. با مشورت حقوقدانانی از جمله جوستین بروکس^۱ استاد دانشکده حقوق کالیفرنیا غربی و مدیر طرح بی گناهی کارولینا، بنیاد آرژانتینی با الگو برداری از مدل آمریکایی شکل گرفت.^۱

اخیراً در سه کشور ایرلند^۱، هلند^۱ و نیوزلند^۱ طرح های بی گناهی تشکیل و آغاز به فعالیت کرده اند که به دلیل نوپا بودن در این مقاله مورد بررسی قرار نگرفته اند. برای نمونه، در نیوزلند انجمنی نوپا در دانشکده روانشناسی دانشگاه ویکتوریا و با همکاری دانشگاه اوتاگو آغاز به فعالیت کرده است

2. Innocence project

۳. تا به امروز، ۳۰۰ نفر در ایالات متحده از طریق آزمایش مزبور تبری شده اند. نک:

<http://www.cardozo.yu.edu/innocenceproject>

البته طرح های احراز بی گناهی محدودیت هایی رای برای رسیدگی به ادعاها در نظر گرفته است. صرفا پرونده هایی قابلیت طرح و رسیدگی را دارند که:

(<http://www.innocenceproject.org/about/Contact-Us.php>)

(۱) امکان تجدیدنظر عادی نداشته و قطعی شده باشند. به اصطلاح ادعاهای پس از محکومیت^۱ محسوب شوند.

(۲) ادله فیزیکی (عینی) وجود داشته باشد. متهم باید از طریق آزمایش DNA بتواند ثابت کند واقعا بی گناه است.

(۳) متهم باید به جهت ارتکاب جرمی محکوم شده باشد. بنابراین، تعقیب، بازداشت، اتهام های نادرست از شمول طرح خارج اند.

(۴) جرم باید در ایالات متحده آمریکا ارتکاب یافته باشد.

همچنین ادعاهای محکومانی که مدعی هستند برای ارتکاب جرم دلیل موجه مانند دفاع مشروع داشته اند، ولی نظام کیفری به خطا آن را نپذیرفته است، مجازاتی شدیدتر از مجازات قانونی برای آنها تعیین شده است و یا مثلا در جرایم جنسی، خود بزه دیده رضایت داشته را بررسی نمی کند. نپذیرفتن دو مورد اخیر موجه است؛ زیرا در این نوع از دفاعیات، مرتکب، بی گناه نیست. با این وجود، اگر دادگاه در نپذیرفتن ادعای دفاع مشروع مرتکب خطا شود، عملا فرد بی گناهی را محکوم کرده است. صرف اثبات رفتار مادی جرم به نحو صحیح، موجب مجرمیت مرتکب نیست. این موضوع از ایرادات مفهومی محکومیت بی گناهان است که دقیقا در طرح های احراز بی گناهی نیز مورد عمل قرار گرفته است. ایرادی که بدون پاسخ باقی مانده است.

بر خلاف طرح های پیش گفته، در نظام عام اعاده دادرسی، چنین دفاعیاتی از جهات پذیرش محسوب می شود. برای مثال، چنانچه پس از صدور حکم قطعی، محکوم علیه شاهدان یا ادله جدیدی را ارائه کند که دلالت قطعی بر صحت ادعای او در دفاع از خود (دفاع مشروع) داشته باشد، دیوان عالی کشور در صورت پذیرش ادله، حکم را نقض و جهات رسیدگی مجدد به دادگاه هم عرض ارجاع خواهد داد. علاوه بر این، اعاده دادرسی محدود به ارائه دلیل DNA نیست.

در حال حاضر، این طرح ها تقریبا در تمامی ایالت های آمریکا تشکیل شده و فعالیت دارند. (<http://www.innocenceproject.org/about/Other-Projects.php>) طرح های بی گناهی شماری

از انواع و اشکال مختلف را در بر می‌گیرد. این طرح‌ها به طور معمول، دانشگاه-محور هستند که با نظارت دانشگاهی و تحقیقات و کلا در خصوص ادعاهای محکومان بی‌گناه فعالیت می‌کنند. هدف عمده طرح‌های احراز بی‌گناهی، رهایی محکومان بی‌گناه از زندان یا اعدام است.

انگلستان از معدود کشورهایی است که در خصوص بررسی ادعای محکومان بی‌گناه، کمیسیون ویژه ای را- به شرحی که پیش‌تر به عنوان یک نظام دولتی گفته شد- در نظام عدالت کیفری خود پیش‌بینی کرده است. با این وجود، در حال حاضر دو انجمن مدنی دیگر در ارتباط با این موضوع در این کشور فعالیت می‌کنند: طرح بی‌گناهی دانشگاه لیدز^۱ و شبکه بی‌گناهی بریتانیا.^۲

انجمن اخیر در سال ۲۰۰۴ توسط دکتر مایکل ناتن، که پژوهش‌های بسیاری را در سال‌های اخیر در خصوص بی‌گناهی انجام داده است، تاسیس شد و تلاش دارد تا ادعاهای بی‌گناهی محکومانی که به جهات قانونی مختلف مشمول رسیدگی در کمیسیون بازبینی پرونده‌های کیفری نمی‌شوند را نیز از طریق پژوهش‌های علمی در نظر بگیرد.

(<http://www.innocencenetwork.org.uk/>)

در کانادا سه مرکز در این خصوص فعالیت دارند. انجمن دفاع از محکومان بی‌گناه^۳، طرح بی‌گناهی دانشگاه بریتیش کلمبیا^۴ و طرح بی‌گناهی دانشگاه یورک^۵ که مورد نخست مهم‌ترین آنهاست. انجمن دفاع از محکومان بی‌گناه، یک سازمان حقوقی غیر دولتی است که برای شناسایی، دفاع و رها کردن محکومان بی‌گناه از مجازات و نیز پیشگیری از محکومیت‌های مزبور از طریق آموزش و اصلاح نظام عدالت کیفری در سال ۱۹۹۳ در تورنتو تشکیل شد. این انجمن دو هدف اصلی داشت: اول اینکه شرایطی که موجب انحراف از عدالت می‌شوند را از بین ببرد و دوم اینکه در بازبینی و اصلاح محکومیت بی‌گناهان مشارکت کند. انجمن فوق در ابتدا به دلیل محکومیت نادرست مورین^۶ و در حمایت از وی تشکیل شده بود. این کمیسیون بعدها خود را بازسازی کرد و اکنون به طور عمده در دفاع از افراد بی‌گناهی که به خطا به

1. University of Leeds Innocence Project

2. Innocence Network UK

3. Association in Defence of the Wrongly Convicted: AIDWYC

4. University of British Columbia Law Innocence Project

5. Osgoode Hall Innocence Project

۶. گای پال مورین به جرم تجاوز به دختر بچه نه ساله همسایه در سال ۱۹۸۴ به حبس محکوم شد. بعدها با پیشرفت فناوری آزمایش DNA بی‌گناهی وی ثابت گردید. دلیل محکومیت نادرست وی نیز سوء عملکرد دادستانی و خطای کارشناس پزشکی قانونی اعلام شد.

ارتکاب قتل عمد محکوم شده اند، فعالیت دارد. در حال حاضر تا آوریل ۲۰۱۴، ۷۴ پرونده در انجمن مزبور تحت بازبینی است که از تعداد مزبور ۳۳ پرونده مربوط به قتل عمد درجه نخست، ۲۸ پرونده قتل عمد درجه دوم، ۱۰ پرونده قتل غیر عمدی و ۳ پرونده سایر جرایم شدید است. (http://www.aidwyc.org/cases/current/ visited on 04/10/2014). حسب اعلام وب سایت این انجمن، در سال ۲۰۱۰ انجمن مزبور به صورت رسمی به عنوان یک بنیاد خیریه و شرکت با اهداف زیر به ثبت رسیده است: (http://www.aidwyc.org/about/aidwyc-foundation/)

(۱) ارائه خدمات حقوقی به افراد کم درآمدی که قصد دارند بی گناهی خود را ثابت کنند و رهایی محکومان بی گناه از مجازات

(۲) افزایش آگاهی عمومی از حقوق کیفری و فرایند قضایی

(۳) ارائه کمک های مالی به محکومان بی گناه کم بضاعت برای ضروریات زندگی

(۴) حمایت از مبتکران آموزشی در خصوص علل محکومیت بی گناهان

بنیاد مزبور در عمل با دو مشکل مواجه است:

اول) محدودیت منابع مالی و انسانی. وکلای فعال در انجمن به طور داوطلبانه در این پرونده ها وقت صرف می کنند که با توجه به حجم پرونده ها تعداد آنها کافی نیست. دوم) عدم وجود کمیسیون تحقیقاتی مستقل و بی طرف در خصوص بررسی ادعاهای بی گناهی در کانادا. به دلیل نبودن چنین کمیسیون مستقلی، وکلا مجبورند تحت بخش ۶۹۶,۱ قانون کیفری، با وزیر دادگستری کانادا تماس برقرار کنند. وکلای کانادایی معتقدند حسب تجربه هایی که در پرونده های پیشین به دست آمده است، وجود کمیسونی مانند کمیسیون بازبینی پرونده های کیفری انگلستان ضروری است. (Kennedy,2004)

نتیجه گیری

قاعده بر آن است که نظام عدالت کیفری افرادی را محکوم به مجازات می کند که واقعا مجرم هستند. با این وجود، مطالعات نشان می دهد که قاعده مزبور چندان هم قابل اطمینان نیست. در طول تاریخ، افراد زیادی به خاطر جرم مرتکب نشده، به خطا توسط نظام عدالت کیفری تعقیب، محاکمه و محکوم شده اند. زمانی که فرد بی گناهی به رغم فرض قانونی و عقلی بی گناهی محکوم می شود، نتیجه قطعی آن است که عملکرد نظام عدالت کیفری در مواردی توأم با خطا است. صرف نظر از منشاء و عوامل این خطا یا خطاها، ساز و کارهایی که برای اصلاح این خطا پیش می شود دارای اهمیت زیادی است.

نظام ایران، تابع نظام عمومی در اصلاح خطای مزبور است. منظور از این نظام، همان ساز و کار رسیدگی فوق‌العاده به حکم قطعی است که اصطلاحاً اعاده دادرسی کیفری نامیده می‌شود. بیشتر کشورها از همین نظام بهره می‌گیرند. مشکل آن است که اعاده دادرسی، همه موارد ادعاهای بی‌گناهی را در بر نمی‌گیرد. بسیاری از ادعاها به دلیل محدودیت‌های شکلی قانونی مانند جهات محدود اعاده و مرور زمان هرگز استماع نمی‌شوند یا به دلیل دشواری اثبات، به نتیجه نمی‌رسند. ضمن این که در کشورهایی مانند ایران که دیوان عالی کشور مرجع رسیدگی و پذیرش اعاده است، به دلیل عدم امکان رسیدگی ماهوی، این مرجع حکم بر بی‌گناهی صادر نمی‌کند، بلکه آن را جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض دیگری ارجاع می‌دهد. لغو ناموجه ساز و کار اعلام اشتباه از حکم صادره توسط قاضی صادرکننده و سایر مقامات قضایی مندرج در ماده ۲۳۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که در سال ۱۳۸۱ نسخ صریح شد، فرصت رفع اشتباه‌های قضایی را به طور ناروا محدود کرده است. با اینکه احیاء چنین ساز و کاری ضروری به نظر می‌رسد، در قانون جدید آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز پیش‌بینی نشده است. در وضعیت کنونی، بی‌تردید ساز و کار اعاده دادرسی کیفری به دلیل محدودیت‌هایی که بیان شد و نیز بر عهده قرار دادن بار اثبات جهات آن بر محکوم علیه، به تنهایی نمی‌تواند کارایی داشته باشد.

نظام عدالت کیفری فرض را بر صحت عملکرد خود در محکومیت افراد گذاشته است. اگر فردی محکومیت قطعی پیدا کند، راه دشوار و گاه غیرممکنی را در اثبات نادرستی محکومیت خود خواهد داشت. بی‌تردید، ارائه و پیش‌بینی مدلی تخصصی در رسیدگی به ادعای محکومان بی‌گناه، می‌تواند بسیاری از کاستی‌های موجود را کاهش دهد. در حال حاضر، دست کم اختصاص شعباتی ویژه از دیوان عالی به عنوان «شعبه‌های رسیدگی به ادعای بی‌گناهی» می‌تواند راه کاری عملی و در عین حال مفید باشد.

یکی دیگر از ساز و کارهای طرح ادعای بی‌گناهی و رهایی از مجازات، عفو می‌باشد. به رغم آنکه تاکنون چنین رویه‌ای در ایران معمول نبوده است، ولی می‌توان پرونده‌هایی که محکوم علیه مدعی بی‌گناهی خود است و در عین حال شرایط قانونی اعاده دادرسی نیز فراهم نیست را پس از بررسی مورد عفو خصوصی قرار داد. گو اینکه در این شیوه، بی‌گناهی محکوم به طور رسمی و قانونی احراز و اعلام نمی‌شود، ولی دست کم وی را از تحمل مجازات جرم مرتکب نشده معاف می‌کند. به عبارت دیگر، عفو بی‌گناهان صرفاً به مثابه مسکنی است برای توقف مجازات ناروا. رهایی محکومان بی‌گناه از مجازات به شیوه عفو در برخی از کشورها

مانند کانادا و برخی از ایالت های آمریکا سابقه دارد. عفو عمومی نیز در مواردی می تواند شیوه مناسبی برای احراز بی گناهی باشد. برای نمونه، فرض کنید در حکومت پیش از انقلاب، افراد متعددی به دلیل مشارکت در فعالیت های سیاسی علیه رژیم، بر اساس ادله ای جعلی و نادرستی مانند اقرار نادرست اجباری محکوم به جرم یا جرایم مرتکب نشده، شده باشند. در این صورت، مجلس می تواند این دسته از محکومان بی گناه را با تصویب قانون، مشمول عفو عمومی قرار دهد.

در برخی از کشورها نظام تخصصی جهت بررسی ادعاهای بی گناهی پیش بینی شده است. اطلاق تخصصی بودن از آن جهت است که دارای قانون، فرایند و نهاد ویژه هستند. حداقل امتیاز چنین ساز و کار تخصصی ای، مسئول دانستن نظام عدالت کیفری در استماع اظهارات محکومانی است که ادعای بی گناهی دارند. در واقع، این به معنای پذیرش جایز الخطا بودن عملکرد این نظام است. نکته جالب توجه آن است که کشورهایی دارای نظام تخصصی هستند که از وجود هیات منصفه در دادرسی های خود بهره می برند. آیا این بدان معناست که محکومیت بی گناهان در نظام های دادرسی که از قضات حرفه ای بهره می برند کمتر اتفاق می افتد یا نه حاکی از آن است که نظام حقوقی و اجتماعی کشورهای دارای نظام تخصصی، آگاهی بهتری از احتمال صدور احکام کیفری علیه بی گناهان و میزان آن دارند. به نظر می رسد بین میزان آگاهی از وجود چنین خطایی در بین کنشگران حرفه ای نظام عدالت کیفری، نهادهای قانون گذاری و عموم مردم و پیش بینی ساز و کارهای اصلاح آن رابطه معناداری وجود داشته باشد. در هر صورت بررسی به این مساله، می تواند موضوع پژوهش های آتی باشد.



منابع

الف) فارسی

- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، تهران: میزان. جلد نخست، ویراست دوم، چاپ سی و یکم.
- خالقی، علی، ۱۳۸۸، آیین دادرسی کیفری، تهران: پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم
- زراعت، عباس، ۱۳۸۶، «اعاده دادرسی در امور کیفری»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۴
- زراعت، عباس، حاجی زاده، محمد رضا و متولی جعفرآبادی، یاسر، ۱۳۸۳، قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی کنونی، تهران: خط سوم، چاپ نخست.
- مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری) در بهمن ۱۳۹۱، ۱۳۹۳، اداره انتشارات رویه قضایی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول

ب) انگلیسی

- Actual Innocence Justice Act , available at <http://open.nysenate.gov/legislation/bill/>
- Bohm, Rabret M. Miscarriages of Criminal Justice; An Introduction, 2005, Journal of Contemporary Criminal Justice, Vol. 21 No. 3, August, 196-200; PP198-199;
- Borchart, Edwin.M, 1932 Convicting the innocent, New Haven. Yale University Press,
- Cytryn, Steven M, 2012, Guilty until proven innocent: providing effective relief to the actually innocent in New York, Cardozo Pub. Law Policy d-Ethics J, [Vol. 10:469
- German Code of Criminal Procedure, section 362. available at: http://www.gesetze-im-internet.de/englisch_stpo/
- <http://www.aidwyc.org/cases/current/> visited on 04/10/2014
- <http://www.cardozo.yu.edu/innocenceproject>
- <http://www.innocencenetwork.org.uk/>
- <http://www.innocenceproject.org/about/Contact-Us.php>
- <http://www.ipargentina.org/acerca/>
- <http://www.ncga.state.nc.us/EnactedLegislation/Statute> , visited 03/10/2014
- <http://www.nysenate.gov/press-release/> on Wednesday, October 21st, 2009
- <https://www.justice.gov.uk/about/criminal-cases-review-commission>, visited 02/10/2014
- Kennedy, Jerome, 2004, Writing the wrong: the role of defence counsel in

wrongful conviction- a commentary

- Naughton, M, 2013, The innocent and the criminal justice system, a sociological analysis of miscarriage of justice, Palgrave Macmillan, New York.
- Smith, Brad, Marvin Zalman, and Angie Kiger, 2011, How Justice System Officials View Wrongful Convictions
- Turvey, Brent E., Caraig M. Cooley, 2014, Miscarriage of justice, Actual innocence, forensic evidence, and law, Google Books.htm.
- Weathered, Lynne, 2004, a question of innocence: facilitating DNA-Based exoneration in Australia.
- Weathered, Lynne, Lynne, 2005, Pardon Me: Current Avenues for the Correction of Wrongful Conviction in Australia, current Issues in Criminal Justice, University of Sydney, Institute of Criminology.